

الدرس السابع : ص. ٨٩ : تأثير اللغة الفارسية على اللغة العربية(اثرگذاری زبان فارسی برزبان عربی)

یازدهم مشترک

واژگان فارسی از زمان جاهلیت وارد زبان عربی شد. به دلیل تجارت(بازرگانی) و ورود ایرانیان به عراق و یمن کلمات فارسی بسیاری به عربی منتقل شده است و آن واژگان به بعضی از کالاهایی که نزد عرب ها نبود(عرب ها نداشتند) مانند مشک و ابریشم مربوط میشد. این انتقال از فارسی به عربی پس از پیوستن ایران به حکومت اسلامی شدت گرفت.

ودردوره ی عباسی هنگامی که ایرانیان به دست افرادی مانند ابو مسلم خراسانی و برمکیان در قیام حکومت عباسی شرکت کردند، نفوذ زبان فارسی افزایش یافت. ابن مُقْفَع در این اثرگذاری نقش بزرگی داشت، چراکه تعدادی از کتاب های فارسی مانند کلیله و دمنه را به عربی منتقل کرده است.

و فیروزآبادی واژه نامه ی معروفی به نام "القاموس" دارد که واژگان بسیاری را به زبان عربی دربرمی گیرد.

دانشمندان زبان عربی و فارسی دورنمای این اثرگذاری را در مطالعاتشان (تحقیقات‌شن) آشکارکرده اند. دکتر آلتونجی کتابی را که کلمات فارسی عربی شده را دربرمی داشت تألیف کرده است (نگاشته است) و آن را "معجم المُعربات الفارسية في اللغة العربية" (واژه نامه ی عربی شده های فارسی در زبان عربی) نامیده است.

اما کلمات فارسی که وارد زبان عربی شدند، صدایها و وزن های کلمات فارسی که وارد زبان عربی شدند، تغییرکرده است (اما صدایها و وزن های کلمات فارسی که در زبانشان یافت نمی شد به حروفی نزدیک به مخرج هایشان تبدیل کرده اند؛ مانند :

پرديس ← فردوس (= ازنام های بهشت) مهرگان ← مهر جان (= جشنواره) چادرشَب ← شَرَشَف (= ملافه) وازان ها کلمات دیگری برگرفته اند، مانند "يَكِنْزُونَ" (می اندوزند، انباسته می کنند) در آیه ی "وَيَكِنْزُونَ الْذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ" (و طلا و نقره را می اندوزند). از کلمه ی فارسی "گنج".

برما واجب است که بدانیم که جایه جایی واژگان بین زبان ها درجهان مسئله ای طبیعیست که آن ها را در شیوه و سخن بی نیاز (پربار) می سازد و نمی توانیم که زبانی را بدون کلمات وارد شده بیابیم. اثرگذاری زبان فارسی بر زبان عربی در پیش از اسلام بیشتر از اثرگذاریش در بعد از اسلام بود، اما پس از پیدایش اسلام به دلیل انگیزه ی مذهبی واژگان عربی در زبان فارسی افزایش یافته اند.

دقّت : این درس از جهت تاریخی نیز مهم است و در بعضی از تست ها از فرم تاریخ ادبیاتی آن سؤال می شود. بنابراین در

چند مورد باید بیشتر دقت کرد. لطفاً زیر این کلمات در متن اصلی خط بکشید :

صفحه ی : ٨٠

- سطر اول : دَخَلَت / العصر الجاهلي

- سطر دوم : التجارة / دخول الإيرانيين في العراق و اليمن
- سطرسوم : المسك و الدبياج / اشتـدـ
- سطر چهارم : بعد انضمام إيران إلى الدولة الإسلامية
- سطر پنجم : ازداد / نفوذ / حين شارك الإيرانيون في قيام الدولة العباسية
- سطر ششم : أبي مسلم الخراساني و آل برمك / ابن مقفع
- سطر هفتم : كليلة و دمنة
- سطرهشتم : الفيروزآبادي / معجم / القاموس / مفردات كثيرة باللغة العربية
- سطردهم : الدكتور آلتونجي / الكلمات الفارسية المُعَرَّبة / معجم المعربات الفارسية في اللغة العربية

صفحة ۸۱ :

- سطر اول : قد تغيرت أصواتها و أوزانها
- سطر دوم : وفقاً لأنستهم
- سطر هفتم و هشتم : يجعلها غنية في الأسلوب و البيان
- سطر نهم : قبل الإسلام أكثر من تأثيرها بعد الإسلام
- سطر نهم و دهم : از بعد ظهور الإسلام تا پایان جمله

صفحة ۸۲: نکات واژه نامه

- ازداد: افزایش یافت، زیادشده؛ حروف اصلی: ز ی د، ثلathi مزید(باب افعال): ازدادِ يزدادُ ازدياد
* زاد: زیاد شد، زیاد کرد (هم لازم است هم متعدی)، ثلathi مجرد
- اشتـدـ: شدت گرفت، شدید شد؛ حروف اصلی: ش د، ثلathi مزید(باب افعال): اشتـدـ يشتدُ اشتـدـ
- اشتـقـ: برگرفت؛ حروف اصلی: ش ق، ثلathi مزید(باب افعال): اشتـقـ يشتقَ اشتـقـ
- انضمـام: پیوستن؛ حروف اصلی: ض م، ثلathi مزید(باب افعال): انضمَ ينضمُ انضمـام
- بینـ: آشکارکرد، واضح کرد، مشخص کرد، بیان کرد؛ حروف اصلی: ب ی ن، ثلathi مزید(باب تفعیل): بینَ يبینُ بینْ تبین
- تبینـ: آشکارشد، واضح شد، مشخص شد؛ حروف اصلی: ب ی ن، ثلathi مزید(باب تفعیل): تبینَ يتَبَيَّنُ تبینْ تبین
- تغیرـ: دگرگون شد، تغییرکرد؛ حروف اصلی: غ ی ر، ثلathi مزید(باب تفعیل): تغیرَ يتَغَيِّرُ تغیرَ تغیرـ
- غیرـ: دگرگون کرد، تغییرداد؛ حروف اصلی: غ ی ر، ثلathi مزید(باب تفعیل): غَيرَ يُغَيِّرُ غيرَ تغیرـ
- شارـکـ: شرکت کرد، مشارکت کرد؛ حروف اصلی: ش ر ک، ثلathi مزید(باب مفاعـلة): شارـکـ يُشارِكُ شارـکـ مُشارـکـ

- مُعَربٌ: عربی شده؛ اسم مفعول از باب تفعیل: عَرَبَ يَعْرُبُ عَرْبٌ تَعْرِيبٌ(عربی کردن) // مُفَرَّسٌ: فارسی شده
 - مُفَرَّدَاتٌ: واژگان، کلمات = کلمات، ألفاظ؛ جمع مُفَرَّدَةٍ
 - نَطَقٌ: برزبان آورد؛ ناطق: سخنگو
 - نَقَلٌ: منتقل کرد؛ ناقل: منتقل کننده، مَنْقُولٌ: منتقل شده
 - انتَقَلٌ: منتقل شد، فعل لازم، حروف اصلی: ن ق ل ، ثلاثی مزید(باب افعال) : انتَقَلٌ يَنْتَقِلُ انتَقَلٌ انتِقالٌ
 - يَضْمَمٌ: دربرمی گیرد؛ حروف اصلی: ض م م ، ثلاثی مجرد: ضَمْ يَضْمَمْ
 - *تَوْجِهٌ: ضَمْ دربرگرفت انصَمْ پیوست (باهم فرق دارند).
-

صفحه ۵۲: درک مطلب

باکمک متن به سؤال های زیر پاسخ بدہ :

۱. چرا پس از پیدایش اسلام واژگان عربی درزبان فارسی افزایش یافتند؟ بسبب العامل الديني .
 ۲. مؤلف کتاب "معجم المعرّبات الفارسية في اللغة العربية" چه کسیست؟ الدكتور ألتونجي .
 ۳. چه زمانی واژگان فارسی وارد زبان عربی شد؟ مند العصر الجاهلي .
 ۴. چه چیزی زبان را در شیوه و سخن پربار می سازد؟ تبادل المفردات بین اللغات في العام.
 ۵. چه زمانی نفوذ زبان فارسی در زبان عربی افزایش یافت ؟ حين شارك الإيرانيون في قيام الدولة العباسية على يد أمثال أبي مسلم الخراساني و آل برمهك .
 ۶. اصل فارسی کلمه ی "گنز" چیست ؟ گنج .
-

صفحه ۵۴: التمرين الأول:

جمله صحیح ونادرست را براساس حقیقت مشخص کن:

۱. مُشك عطريست که ازيک نوع آهو(ازنوعي ازآهوها) گرفته می شود. صحیح
المسک: مبتدأ، عَطْرٌ: خبر(ازنوع اسم)، يُتَّخَذُ: فعل مضارع مجھول و صفت(جمله ی وصفیه) برای عَطْرٌ، من نوع: جارو مجرور، من الغزلان: جارو مجرور

جمع عِطر: عُطُور، اتَّخَذَ: اتَّخَذَ يَتَّخِذُ اتَّخِذَ اتَّخَذَ(باب افعال- حروف اصلی: ء خ ذ) ، الغزلان: جمع غَزَال ، *تَوْجِهٌ: غَزَالِينِ مثنای غَزَال ، غَزَلان: جمع مَكْسِرٌ غَزَال . مثنی با جمع مكسر اشتباه نشود.

۲. ملافه تکه پارچه ایست که روی تخت انداخته می شود. صحیح
الشَّرَشَف: مبتدأ، قطعة : خبر(ازنوع اسم)، قُماش: مضارع مجھول و صفت(جمله ی وصفیه) برای قطعة، على السُّرِير: جارو مجرور

جمع شَرْشَف: شَرَاشِف، جمع قِطْعَة: قِطْعَة، جمع قِمَاش: أَقْمَشَة، جمع سَرِير: أَسْرَرَة و سُرُورٌ
٣. عرب ها واژگان واردشده را مطابق با اصلشان بر زبان می آورند. نادرست

العرب: مبتدأ، يَنْطَقُون: خبر(ازنوع فعل) وفاعل آن ضمير واو، الكلمات: مفعول، الدَّخِيلَة: صفت، طبق: ---، أصل: مضاف إليه،
ها: مضاف إليه

٤. درزبان عربی صدها واژه عربی شده ی دارای اصلیت های فارسی است. صحيح
جمله اسمیه است. في اللغة: جارو مجرور و خبر مقدم، العربية: صفت، مثات: مبتداء مؤخر، الكلمات: مضاف إليه، المُعْرِبة: صفت
الكلمات، ذات: صفت الكلمات، الأصول: مضاف إليه، الفارسية: صفت الأصول

٥. دکتر آتونجی کتابی رانگاشت که کلمات ترکی عربی شده را درزبان عربی دربرمی گیرد.
نادرست

آلف: فعل، الدَّكتور: فاعل، التُّونجي: بدل از دکتور، كَتَابًا : مفعول، يَضْمُنْ: فعل وصفت(جمله ی وصفیه) برای كتاباً، الكلمات:
مفعول، التَّركيَّة: صفت كلمات، المُعْرِبة : صفت كلمات، في اللغة: جارو مجرور، العربية: صفت لغة

صفحه ۵۷۹ : نکات متن

- عَلَمَهُ البَيَان: عَلَمَ: فعل، ۵ : مفعول اول، البَيَان: مفعول دوم

صفحه ۵ : ۸۰

- سطر ۱: جمله اسمیه: المفردات: مبتدأ، الفارسیه: صفت، دَخَلتُ: خبر از نوع فعل (کسره جهت اتصال است)، اللغة: مفعول، العربية:
صفت، نُقلَت: فعل مجھول، إلى العربية: جارو مجرور، ألفاظ: نائب فاعل، فارسیه: صفت ألفاظ، كثيرة: صفت ألفاظ
- سطر ۲ و ۳: كانت: افعال ناقصه، تلك: اسم كانت، ترتبط: خبر كانت (ازنوع فعل)، بعض: جارو مجرور، البَضَائِع: مضاف إليه
(فردآن: بضاعة)، ما كانت: افعال ناقصه واسم آن ضمير مستتر هي، عند: خبر كانت (ازنوع قید مکان)، العرب: مضاف إليه،
کالم سک: جارو مجرور، و: حرف عطف، الدَّبياج: معطوف به مسک، اشتَدَّ: فعل، النقل: فاعل

- سطر ۵ : في العصر العَبَاسِي ازداد ..: جمله ی فعلیه، في العصر: جارو مجرور، العَبَاسِي: صفت عصر، ازداد: فعل، نفوذ: فاعل، اللغة:
مضاف إليه، الفارسیه: صفت، حين: قید زمان

- سطر ۶: كان: افعال ناقصه، لابن: جارو مجرور و خبر مقدم كان، المفْعُون: مضاف إليه، دور: اسم مؤخر كان
- سطر ۸: للفيروزآبادی معجم مشهور.. : جمله ی اسمیه، للفيروزآبادی: جارو مجرور و خبر مقدم، مُعجم: مبتداء مؤخر، مشهور:
صفت، باسم: جارو مجرور، القاموس: مضاف إليه، يَضْمُنْ: فعل و صفت(جمله ی وصفیه) برای معجم، مفردات: مفعول

-سطر۹ و ۱۰: أَلْف: فعل، الْدُّكْتُور: فاعل، الْتُونِجي: بدل از دکتور، كتاباً : مفعول، يَقُول: فعل و صفت برای كتاباً ، الكلمات: مفعول، الفارسیة: صفت کلمات، المُعَرَّبَة: صفت کلمات، سَمَّي: فعل و صفت برای كتاباً ۵: مفعول اول، معجم: مفعول دوم، المُعَرَّبات: مضاف إلیه، الفارسیة: صفت مُعَرَّبات /

این ها باهم فرق دارند. دراسات : جمع سالم دراسة : مطالعات *توجه:

سَمَّي: دومفعولي است. سَمَّي: باب تفعيل: سَمَّي يُسَمِّي سَمْ تَسْمِيَة

صفحه ۸۱:

-سطر۱: الكلمات: مبتدأ، الفارسیة: صفت، قدتغیرت: خبر(ازنوع فعل)، أصوات: فاعل، ها: مضاف إلیه، و: حرف عطف، أوزان: معطوف بر أصوات، ها: مضاف إلیه

-سطر۶: الفارسیة: صفت برای کلمة

-سطر۷: يجعل: فعل و صفت برای أمر، ها: مفعول اول، غنیّة: مفعول دوم // يَجْعَلُ: دومفعولي است.

-سطر۸: كان: ازافعال ناقصه، تأثیر: اسم كان، أكثر: خبركان

-سطر۹ و ۱۰: بعدظهورالإسلام ازدادت ...: جمله فعلیه، بعد: قیدzman، ظهور: مضاف إلیه، الإسلام: مضاف إلیه، ازدادت: فعل، المفردات: فاعل، العربية: صفت برای مفردات، الفارسیة: صفت برای اللغة، الدينی: صفت برای العامل

والسلام

حقيقي